

سیره اخلاقی امام رضا (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



اخلاق فردی :

ادب

اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است، و کاشف کیفیت ذات، و درون اوست. امام رضا (علیه السلام) به اخلاق عالی و ممتاز، آراسته بودند، و بدین سبب دوستی عام و خاص را، به خود جلب کردند، همچنین انسانیت آن حضرت، یگانه و بی مانند بود، و در حقیقت تجلی روح نبوت، و مصداق رسالتی بود که خود آن حضرت، یکی از نگهبانان و امانت داران و وارثان اسرار آن به شمار می رفت. از ابراهیم بن عباس صولی (1) نقل شده، که گفته است:

من ابوالحسن الرضا (علیه السلام) را هرگز ندیدم در سخن گفتن، با کسی درشتی کنند.

من ابوالحسن الرضا (علیه السلام) را هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن، قطع کند.

هرگز درخواست کسی را، که قادر به انجام دادن آن بود، رد نفرمودند.

هرگز پاهای خود را، جلو همنشین، دراز نمی کردند.

هرگز در برابر همنشین تکیه نمی کردند.

هرگز او را ندیدم، که غلامان و بردگان خود را بد گویند.

هرگز او را ندیدم، که آب دهان بیندازند.

هرگز او را ندیدم، که قهقهه بزند، بلکه خنده اش تبسم بود.

تا آنجاکه می گوید : هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید.(2)

زهد

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) جامع تمام فضائل بودند، به طوری که تمام صفات عالی در ایشان جمع شده بود. خصایص شریف امام رضا (علیه السلام) قسمتی از صفات جدش، بزرگترین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بود که از میان پیامبران ممتاز بودند. ایشان درباره زهد به نقل از پدرانیشان می فرمودند زاهد آن است که حلال دنیا را از ترس حساب و کتاب و حرام دنیا را از ترس عقاب ترك می کند.(3)

محمد بن عباد (4) درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می گوید : پوشش ابوالحسن (علیه السلام) در طول تابستان همواره يك بوریا بود. ایشان در طول زمستان با همه عظمت و وقاری که داشتند پوششی ساده داشتند و به دور از هر گونه علامت گذاری و یا این که رنگ مخصوصی داشته باشد همیشه لباس زبر به تن می کردند مگر آن که می خواستند پیش مردم و به دیدن آنها بروند که در آن وقت بهترین لباس خود را می پوشیدند.(5)

امام می فرمودند: لباس مظهر خارجی انسان است نمی توان نسبت به آن بی توجه بود حرمت مومن ایجاب می کند که انسان در ملاقات با او، شئون خود و وی را رعایت کند و مقید باشد که پاکیزه و خوش لباس باشد.(6)

از دلائلی که امام رضا (علیه السلام) نزد مردم، لباس خوب می پوشیدند این بود که اگر ظاهر انسان تمیز و پاکیزه باشد، دیگران از دیدن این فرد لذت می برند و تحت تاثیر وی قرار می گیرند. هم چنان که از دیدن يك انسان کثیف و آلوده حالشان دگرگون می شود، ایشان لباس زیبا و پاکیزه می پوشیدند تا مردم با دیدن ایشان درس نظم و پاکیزگی را در کنار ساده زیستی بیاموزند و از طرفی نشان دهند که مومن از مال حلال در حدّ شأنش می تواند از امکانات این دنیا استفاده کند.

همچنین نقل شده: در محیط خانه امام رضا (علیه السلام) آثاری از زندگی اشرافی وجود نداشت از زیور و زینت استفاده نمی کردند، مگر این که خود را به عود هندی خام بخور می دادند.

گوشه گیری از دنیا و ساده زیستی

برجسته ترین صفات امام رضا (علیه السلام) بود. تمام راویان متفق القولند که وقتی آن حضرت ولیعهد مامون شدند هیچ توجهی به جنبه قدرت و عظمت آن نداشتند. نقل شده زمانی که امام رضا (علیه السلام) مجبور به پذیرفتن ولایت عهدی شدند، چون روز عید فرا رسید مامون برای خواندن نماز از امام (علیه السلام) دعوت به عمل آورده ایشان با ساده ترین پوشش و با لباسی که مخصوص نماز عید بود حاضر شدند، این لباس عبارت بود از دو قطیفه روی لباس و عمامه سفیدی از کتان که به سربسته بود که يك طرف آن را به سینه و طرف دیگرش را میان دو شانه انداخته بودند عصایی به دست داشتند، در حالی که کفش برپا نداشتند چون همراهان ایشان این

وضعیت را دیدند آنان هم چون امام راه افتادند. (7)

نمونه دیگری از اخلاق امام رضا (علیه السلام) این بود که در دوران ولایت عهدی و تصدی بالاترین مقام در دولت اسلامی به هیچ یک از غلامانشان دستور نمی دادند که کارهای ایشان را انجام دهند. روایت شده که وقتی ایشان به حمام نیاز داشتند از این که به کسی دستور بدهند حمام را برای ایشان آماده کنند، تنفر داشتند و خود کارهای شخصی خویش را انجام می دادند. همچنین ایشان جهت همدردی با مردم به حمام عمومی شهر می رفتند و از نزدیک با مردم معاشرت داشتند. (8)

عبادت

عبادت، فروتنی در مقابل خداوند است. انسان کامل به هر اندازه به خدا نزدیک تر باشد به همان اندازه خشوع و بندگی اش در مقابل خدا بیشتر می گردد، چنین کسانی هدفشان در عبادت فقط سپاس نعمت های خداوند و نظرشان به قرب پیشگاه ابدیت می باشد این بزرگترین امتیازات مردان الهی در ارتباط با خداست، محور اصلی زندگی آنها خدای تعالی و عشق به خداست، شدت توجه به خدا موجب شده بود که آنها لحظه ای از حق غافل نشوند، به طوری که اگر گاهی حالت غفلت در خواب یا بیداری به آنها دست می داد آن را برای خود گناه به حساب می آوردند. (9)

به همین دلیل همواره آنان را می بینیم که در وادی شکر الهی اظهار عجز می کنند و با این همه از خوف الهی لابه می کنند و این نشان دهنده تواضع و فروتنی آنها در مقابل ذات احدیت است.

پرهیزگاری و تقوای امام رضا (علیه السلام)

طوری بود که نه تنها مردم، بلکه دشمنان نیز به آن اعتراف می کردند، ایشان همه فکر و اندیشه شان، حفظ دین خدا و اجرای وظایف الهی بود و نجات خود و مردم را در تقوا، پرهیزگاری و عبادت کردن می دانستند. چیزهایی که در دنیا وجود داشت، سبب نشد که ایشان از وظیفه خود دور بیفتند، ایشان به دنیا علاقه نداشتند و نسبت به آن بی رغبت بودند، زهد و عبادتشان بی نظیر بود، همیشه سعی داشتند مردم را به تقوا و عبادت و پرستش خداوند دعوت نمایند (10) چنان که به برادرشان زید فرمودند: «ای زید از خدا بترس، آن چه که ما به آن رسیده ایم به وسیله همین تقواست هر کس که تقوا داشته باشد و خدا را مراقب خود نداند از ما نیست و ما از او نیستیم.» (11)

منابع تاریخی، امام رضا (علیه السلام) را پرهیزگاری می دانند که مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می رفتند، ایشان به زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) علاقه فراوانی داشتند، بالای قبر پیامبر (صلی

الله علیه و آله) می رفتند و خودشان را به قبر شریف می چسبانیدند، در کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) شش یا هشت رکعت نماز می خواندند در رکوع یا سجده سبحان الله سه بار یا بیشتر می گفتند، زمانی که نمازشان تمام می شد به سجده می رفتند آن قدر سجده را طولانی می کردند که عرق ایشان روی ریگ های مسجد می ریخت، صورت مبارکشان را روی زمین یا خاک مسجد می گذاشتند، دائماً در حال عبادت بودند و به عبادت عشق می ورزیدند و برای عبادت خداوند انواع رنج ها را تحمل می کردند.(12)

امام رضا (علیه السلام) همچون پدر و اجداد پاکشان همواره قبل از هر چیز بنده خالص خداوند بودند، و همه چیز را در بندگی خدا دنبال می کردند در پرتو همین بندگی بود که به ارزش های والای انسانی و مقام های بلند معنوی دست یافتند. عبادت، راز و نیاز، مناجات و سجده های طولانی شان نشان می دهد که ایشان دل داده خداست رابطه تنگاتنگ عاشقانه با ذات پاک خداوند داشتند. یکی از همراهان این بزرگوار در سفر خراسان می گوید: به روستایی رسیدیم، آن حضرت به نماز ایستادند، و سجده های طولانی به جای آوردند، او می گوید: شنیدم امام در سجده می گفتند :

«خدایا اگر تو را اطاعت کنم حمد و سپاس مخصوص تو است و اگر نافرمانی کنم حجت و عذری برایم نخواهد بود، من و دیگران در احساس تو شریکی نداریم اگر نیکی به من رسد از جانب تو است. ای خدای بزرگوار! مردان و زنان با ایمان را در مشرق و مغرب در هر کجا هستند بیامرز.» (13)

با توجه به مضمون دعاهاى ائمه می بینیم دعای امامان ابتدا برای دیگران به خصوص مومنان بود بعداً برای خودشان دعا می کردند این نشان دهنده آن است که آنها چقدر به فکر دیگران بودند و در حق مردم مهربانی می کردند.

در مورد امام رضا (علیه السلام) باید گفت ایشان، اسوه کامل عبودیت بودند و در این راه به حدی رسیده بودند که ایشان را عاشق عبادت می دانستند. آن حضرت بسیاری از روزها را روزه داشتند و بسیاری از شب ها بیدار بودند. به طوری که در زمان ایشان و نه بعد از آن، کسی به این درجه نرسید حتی زاهدترین افراد.

نکته مهم دیگر این که امام رضا (علیه السلام) بسیاری از اوقات شبانه روز به درس و بحث مشغول بودند، فقه و علوم محمدی را به شاگردانشان درس می دادند زیرا ایشان درس را نمونه ای از ذکر و عبادت می دانستند و زمانی که از درس دادن فارغ می شدند به ذکر گفتن خدا می پرداختند.(14)

اباصلت می گوید : من در سرخس به خانه ای که حضرت را تحت نظر گرفته بودند رفتم، از نگهبان اجازه گرفتم او گفت: حالا موقع رسیدن به حضور ایشان نیست. گفتم: چرا؟ گفت: امام (علیه السلام) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و از نماز، يك ساعت پیش از ظهر و نزدیک غروب فارغ می شوند و همه اوقاتشان در جای نماز نشسته و مشغول مناجات خدا می شود. اباصلت به نگهبان می گوید در همین موقع اجازه بگیر. اتفاقاً اجازه گرفتند من در همان حال که ایشان انتظار نماز را داشتند به حضورش شرفیاب شدم.(15)

اهمیت امام به نماز

در سیره عملی ایشان کاملاً مشهود است. نقل شده است روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و

سخنان زیادی بین امام (علیه السلام) و حاضران رد و بدل می شد، جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: سرورم سخنانمان را قطع نکن که دلم آزرده می شود شاید اگر سخنانتان را ادامه دهی مسلمان شوم. ایشان فرمودند نماز می خوانیم و برمی گردیم امام برخاستند و نماز خواندند. (16)

از دیگر ویژگی های آن حضرت این بود که هر دعایی را که شروع می کردند صلوات بر محمد و آل او می فرستادند در نماز یا غیر نماز بسیار صلوات می فرستادند، شبها موقعی که می خواستند بخوابند قرآن تلاوت می کردند، موقعی که به آیه ای می رسیدند که در آن از بهشت و دوزخ سخن می گفتند گریه می کردند و می فرمودند: «پناه می برم به خدا از آتش دوزخ»، آن حضرت هر سه روز يك بار تمام قرآن را تلاوت می کردند و می فرمودند: «اگر خواسته باشم قرآن را در کمتر از سه روز تمام کنم می توانم ولی هیچ آیه را نخواندم مگر این که در معنی آن آیه فکر کنم، و درباره این که آن آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده، از این رو هر سه روز قرآن را تلاوت می کنم.» (17)

ایشان هر دعایی که می کردند خیلی زود به اجابت می رسید، نقل شده که به مأمون خبر داده بودند که امام رضا (علیه السلام) مجالس علمی مربوط به دین و مذهب تشکیل داده اند و این کار باعث شده مردم به مقام علمی ایشان پی ببرند. مأمون فردی را مأمور کرد که نگذارد مردم در این مجالس شرکت کنند، امام را نزد خود خواند و نسبت به ایشان بی احترامی و پرخاشگری کرد.

ایشان از نزد مأمون با ناراحتی بیرون آمدند و در حالی که لب های خود را تکان می دادند و می گفتند: به خدا سوگند او را نفرین می کنم که یاری خداوند از او برداشته شود. موقعی که به خانه رسیدند دو رکعت نماز به جا آوردند. اباصلت می گوید: امام هنوز نمازشان را تمام نکرده بودند که زلزله ای در شهر اتفاق افتاد، فریادهای زیادی شنیده می شد و گرد و غبار زیادی از زمین بلند شد. اباصلت اضافه کرد من از جایم حرکت نکردم تا امام (علیه السلام) سلام نماز را گفتند.

بعد از آن بالای پشت بام رفتم و بیرون را نگاه کردم و جز سرهای شکسته چیزی ندیدم بعد از مدتی مأمون و لشکرش در حالی که سرشان شکسته بود را دیدم که با کمال خفت و خواری از شهر بیرون شدند. (18)

از اباصلت هروی نقل شده است که روزی امام در منزل خود نشسته بودند، فرستاده هارون الرشید وارد شد و به ایشان چنین گفت: خلیفه شما را به حضور می طلبد. امام رضا (علیه السلام) برخاستند و

فرمودند: ای اباصلت او مرا جز برای امر ناگواری احضار نکرده است ولی به خدا سوگند نخواهد توانست آنچه را ناپسند می دارم در حق من انجام دهد زیرا دعای جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را همراه خود دارم که موجب حفظ جان من خواهد شد. ایشان وارد قصر هارون الرشید می شوند چون نگاه حضرت به هارون افتاد همان دعا را خواندند و در مقابل او ایستادند. هارون الرشید به امام چنین گفت: ای ابوالحسن، دستور داده ایم یکصد هزار درهم به شما بپردازند تا شما نیازهای خانواده خود را برآورده کنید. چون علی ابن موسی (علیه السلام) از آن مجلس بیرون رفتند هارون چنین گفت: من خواهان چیز دیگری بودم و پروردگار چیز دیگری اراده کرد و آن چه خدا خواهد همان شود. (19)

فردی به نام رجاء بن ابی ضحاک (20) در مورد عبادت و مناجات امام رضا (علیه السلام) چنین می گوید: مأمون مرا نزد امام (علیه السلام) به مدینه فرستاد که ایشان را از مدینه به خراسان نزد وی ببرد، مأمون سفارش کرده بود که مواظب امام باشد. مسیر راه بصره، اهواز، فارس، خراسان بود و خیلی سفارش شده بودند که شبانه روز از

ایشان جدا نشوند وی می گوید من همیشه کنار امام بودم و کسی را با تقواتر نسبت به خدای متعال مثل او ندیده بودم، ذکر خدا همیشه بر لبانشان جاری بود، همیشه خداترس و پارسا بود، موقعی که وقت نماز می شد در سجده گاه خود می نشست و سبحان الله، لاله الا الله و ذکرهای دیگر می گفتند و بعد از نماز اطرافیان را نصیحت می کردند.

(21) رجاء ابن ابی ضحاک اضافه می کند وقتی ایشان را نزد مامون بردم از من درباره احوالات امام پرسید من آنچه را دیده بودم برای او گفتم از رفتار و اعمال ایشان، رفتن و ماندن شان، همه آنچه که اتفاق افتاده بود. مامون گفت: ای پسر ضحاک این مرد بهترین خلق خدا روی زمین است، از همه ی مردم دانشش و عبادتش بیشتر می باشد آنچه که از ایشان دیدی نزد کس دیگر نگو تا بزرگواری او بر کسی آشکار نشود مگر از زبان خود من. (22)

سخاوت

از اصول اخلاقی که در زندگی همه ی امامان فراوان دیده شده است جود و سخاوت است. سخاوت در مقابل بخل قرار دارد، یعنی انسان از امکانات مادی و معنوی که در اختیارش وجود دارد فقط خودش استفاده نکند بلکه با بخشش به دیگران قسمتی از مشکلات آنها را حل کند و دیگران را از نعمت هایی که خداوند به او داده، چه نعمت مادی و چه نعمت های معنوی مانند علم برخوردار کند. (23)

سخاوت از «سخاء» گرفته شده است و «سَخا النار و یسْخوها»، یعنی این که اگر خاکستر آتش را از آتش پاک کنیم، بهتر می سوزد و روشنایی اش بیشتر می شود، بنابراین تعریف سخاوت که از همین ریشه است موجب روشنایی و گرم کردن کانون خانواده های بینوایان می شود. (24)

شاید بهترین تعریف درباره سخاوت بیان امام رضا (علیه السلام) باشد که فرمودند: «السَّخِي يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ»؛ انسان سخاوتمند از غذای دیگران می خورد تا از غذای او بخورند، ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی خورد تا از غذای او نخورند. (25)

در بررسی سیره امام رضا (علیه السلام) ویژگی بذل و بخشش بسیار به چشم می خورد. ایشان بسیار صدقه پنهانی می دادند و اموال خویش را بین نیازمندان تقسیم می نمودند. روایت شده که ایشان يك سال تمام ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم کردند. فردی به ایشان گفت: این گونه بخشش، ضرر است. حضرت فرمودند: این گونه بخشش ضرر و زیان نیست بلکه غنیمت است، هرگز چیزی را که به وسیله آن طلب اجر و کرامت می کنید، غرامت و ضرر به شما نیاورد. (26)

گزارش شده هر وقت سفره غذا را برای امام پهن می کردند کاسه ای نزدیک ایشان قرار می دادند، ایشان از هر نوع غذا مقداری را برمی داشتند و در آن کاسه می ریختند و دستور می دادند آن را بین فقرا تقسیم کنند. بعداً می فرمودند:

«فَلَا اقْتَحِمِ الْعَقِبَةَ (27)؛ باز هم به عقبه تکلیف تن در نداد.»

و می فرمودند: خداوند می داند که همه مردم قدرت این را ندارند که بنده آزاد کنند برای آنها راه دیگری قرار داده، و آن غذا دادن به فقرا است. (28)

شیوه امام (علیه السلام) در بخشش طوری بود که حتی کسی که مورد جود امام رضا (علیه السلام) قرار می گرفت، ذره ای احساس شرمندگی نکند. نقل شده که ایشان در مجلسی با یاران خود مشغول صحبت کردن بودند، جمعیت زیادی در آن مجلس حضور داشتند که ناگهان مردی بلند قامت و گندمگون وارد مجلس شد و به حضرت سلام کرد و گفت: من مردی از دوستان پدران و نیاکان شما هستم. از حج برمی گشتم که خرجی خود را گم کردم، اگر شما به من کمک نمائید تا به وطنم برسم پولی که شما به من می دهی، از طرفتان صدقه خواهم داد. حضرت فرمودند: بنشین.

بعد از مدتی که جمعیت پراکنده شدند و جز عده ی کمی باقی نماندند امام به اتاقشان می روند و بعد از مدت کمی بازگشتند و دستشان را از بالای در بیرون آوردند و پرسیدند آن مرد کجاست؟ مرد جواب داد من در حضور شما هستم. ایشان فرمودند: این دویست اشرفی را بگیر و خرج کن، لزومی ندارد که از طرف من صدقه بدهی از نزد من خارج شو تا ترا نبینم و تو نیز مرا نبینی. بعد از رفتن آن مرد، فردی که در آنجا حضور داشت به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: شما نسبت به این شخص احسان و بخشش نمودید. علت این که فرمودید تا شما او را نبینید و او شما را نبیند چیست؟

ایشان فرمودند: از ترس این که مبدا شرمندگی در صورت او ببینم آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده اید که فرمودند: حسنه مخفیانه با هزار حج برابر است. (29) این عمل امام (علیه السلام) ما را متوجه مطلبی می کند و آن این که اگر انسان وقتی چیزی به بینوایی یا سائلی می دهد بخشش نیست بلکه شکر نعمتی است که خداوند به او داده است. انسان تا موقعی که حقوق واجبش را نپرداخته در خطر بزرگی قرار دارد بخشش امام به خاطر دوستی کردن با دیگران نیست بلکه به خاطر شکر کردن نعمت های خداوند است که به ایشان داده است. همچنین نقل شده است شخصی به حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) گفت: به قدر جوانمردی خودتان به من عطا و بخشش کنید. ایشان فرمودند: این اندازه برای من مقدور نخواهد شد. او گفت: پس به اندازه مروت من عطا کن. حضرت فرمودند: این مقدار ممکن می شود پس از این جریان به غلام خودشان دستور دادند تا مبلغ 200 اشرفی به او بدهند. (30)

علاوه بر نیازمندان، سخاوت امام رضا (علیه السلام) شامل حال شاعران و دوستداران تواضع امام رضا چنان زیاد بود که زمانی که برای آن حضرت غذا می آوردند.

ایشان غلامان و خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سر سفره می نشاندند و با آنها غذا می خوردند. همچنین نقل شده زمانی که آن حضرت تنها می شدند همه خادمان و غلامان خوشان را از کوچک و بزرگ جمع می کردند و با آنان سخن می گفتند و با آنها انس می گرفتند به طوری که غلامان آن حضرت هیچ ترسی از ارباب و مولای خود نداشتند. (31)

تواضع امام به اندازه ای بود که بعضی مواقع مردم ایشان را نمی شناختند و از افراد معمولی تمییز نمی دادند. نقل شده است که روزی ایشان وارد حمامی می شوند مردی آن جا بود که ایشان را نمی شناخت به امام می گوید بیا مرا مشمت و مال بده. حضرت شروع به مالیدن دست و پای او کردند زمانی که ایشان را شناخت عذر خواهی کرد ولی امام او را دلداری دادند. (32)

ادب و تواضع امام رضا (علیه السلام) نسبت به دیگران به اندازه ای بود که اگر فردی بر امام وارد می شد ایشان

به خاطر احترام گذاشتن به آن فرد از جایشان برمی خاستند و او را در مناسبت ترین مکان ها جا می دادند. (33)

صبر و مقاومت

یکی از اصول مشترك در زندگانی امامان که همواره در زندگی آنها مشاهده گردیده صبر و مقاومت است. این بزرگواران الگوی بزرگ صبر و قهرمان مقاومت بودند.

در بررسی زندگی امام رضا (علیه السلام) می بینیم که ایشان نیز همچون دیگر امامان نمونه کامل این صفت اخلاقی بودند. شاید بتوان از موقعیت های دشواری که ایشان با آن رو به رو شدند زمانی که مأمون این بزرگوار را به خراسان دعوت کرد نام برد.

ایشان برای وداع خانه خدا به مکه رفتند لحظه جدایی آن حضرت از فرزندش ابی جعفر محمد بن علی جواد (علیه السلام) بود که ایشان با دلی استوار و مطمئن به قضا و قدر الهی این مصیبت را تحمل کردند شکیبایی و بردباری آن حضرت در دوره خلافت مأمون در برابر سیاست ها مرموز و پشت پرده او به ویژه جریان ولایتعهدی درجه صبر و تحمل آن حضرت را برای ما آشکار می کند. (34)

امام رضا (علیه السلام) در دوران زندگی شان و زندانی بودن پدر بزرگوارشان مکرر سعه صدر از خود نشان می دادند و مراقب اهل و عیال پدر ارجمندشان بودند. ایشان اهل حلم و شکیبایی بودند. در برابر افرادی که با ایشان ستیزه و نزاع داشتند حلم و صبر می ورزیدند. در برابر دهن کجی های دیگران سعی می کردند سکوت کنند. افرادی بودند که نسبت به ایشان بی احترامی می کردند. اما این بزرگوار در برابر آنها خاموشی را انتخاب می کردند. (35)

اخلاق اجتماعی امام رضا علیه السلام :

رفتار امام رضا (علیه السلام) با خانواده

سراسر مدت سی و پنج سال امامت امام موسی کاظم (علیه السلام) با حوادث و فراز و نشیب های سیاسی آمیخته بود. بیشتر زندگانی ایشان در زندان های هارون الرشید سپری شد. امام رضا (علیه السلام) در تمامی مدتی که امام کاظم (علیه السلام) زندانی بودند دستیار و پشتوانه استوار پدر در حوادث سیاسی فرهنگی بودند. شریک غم ها و رنج های پدرشان بودند هرگز در برابر قدرت طلبان هوس باز، خودشان را تسلیم نکردند. ایشان راه

پدر را ادامه دادند و مردم را به شدت از یاری رساندن و کمک به خلفای طاغوتی دور می کردند. چون امام کاظم (علیه السلام) بیشتر عمر شریف شان در زندان ها سپری شد، امام رضا (علیه السلام) به عنوان فرزند ارشد مسئول نگهداری خانواده ایشان بودند، ایشان در این مدت طوری از خانواده شان مراقبت کردند، که اجازه ندادند کسی به آنها بی احترامی کند، نهایت احترام را به آنها می گذاشتند و خطرات دشمنان را از آنان دور می کردند. علاقه حضرت به خانواده شان در محبتی که به امام جواد (علیه السلام) داشتند نیز قابل ملاحظه است. قبل از تولد امام جواد (علیه السلام) فردی به امام رضا (علیه السلام) می گوید شما کودکان را دوست دارید پس از خداوند بخواهید که پسری به شما عطا کند. حضرت فرمودند: خداوند پسری به من خواهد داد که وارث من می شود هنگامی که اباجعفر (علیه السلام) متولد شدند، حضرت در طول شب گهواره ایشان را حرکت می دادند و با او بازی می کردند.

امام فرزندشان را آن قدر دوست می داشتند که شب را نمی خوابیدند و گهواره امام جواد (علیه السلام) را حرکت می دادند. به ایشان عرض شد آیا مردم با پسرانشان چنین رفتار می کنند؟ حضرت فرمودند: این پسر مانند عامه مردم نیست به دنیا آمدن و رشد نمودن او مانند ولادت پدران پاکش است. (36)

رفتار امام با فرزندشان امام جواد (علیه السلام) آن قدر محبت آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی زدند بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرارش می دادند. به عنوان مثال می فرمودند: «ابوجعفر برای من نوشته است و من برای ابوجعفر نوشتم.» (37) به این ترتیب می خواست ایشان را احترام و تمجید کنند. نمونه دیگر علاقه و وابستگی امام رضا علیه السلام، محبتی بود که به حضرت معصومه (علیه السلام) داشتند.

رفتار امام رضا (علیه السلام) با مردم

امامان با مردم نشست و برخاست داشتند و در تعاملات اجتماعی به نیکوترین صورت با آنان برخورد می نمودند. این سیره چنان نیکو بود که با الگو قرار دادن آنان ما می توانیم روش صحیح برخورد اسلامی با افراد گوناگون را بیاموزیم.

با بررسی آیات در می یابیم برخورد با انسان های مختلف باید هماهنگ و متناسب با روحیه آنها باشد خداوند عزوجل در قرآن فرموده است:

«محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم» (38)؛ محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید و در میان خود مهربانند.

در آیه دیگری چنین فرموده:

«يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين و اغلظ عليهم» (39)؛ ای پیامبر با کافران و مجاهدان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر.

از این آیات چنین نتیجه گیری می شود که برخورد قرآن و اسلام با انسان های مختلف فرق می کند. در بعضی جاها دستور به برخورد نیک و پر محبت می دهد، «با مردم سخن نیک بگویند» (40) و در جای دیگر دستور به برخورد میانه می دهد: «محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در

میان خود مهربانند.» (41)

امام رضا (علیه السلام) به عنوان اسوه کانون مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بود. در زیارت آمده است: السلام علی الامام الرئوف؛ (سلام بر امام و پیشوای با رافت و مهربان) این لقبی است که از طرف خداوند به ایشان داده شده است. ایشان بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمت گزارانشان داشتند. در روزی که ایشان مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسیدند بعد از این که نماز ظهر را خواندند به فردی که نزدیکشان بود فرمودند: مردم (منظور اهل خانواده کارکنان و خدمتگزارانشان بودند) غذا خورده اند؟ آن فرد جواب داد: آقای من در چنین وضعیتی کسی می تواند غذا بخورد؟ در این لحظه که امام (علیه السلام) متوجه می شوند کسی غذا نخورده، می نشینند و دستور آوردن سفره ای را می دهند همه را سر سفره دعوت می کنند و آنها را یکی یکی مورد محبت قرار می دهند. (42)

ایشان در جایی که مربوط به شخص خودشان بود بزرگ ترین گذشت ها، عالی ترین ایثارها و بیشترین محبت را نسبت به دیگران داشتند. رفتار عملی امام رضا (علیه السلام) نشانه انسانی کامل و نمونه است که هیچ علاقه ای به دنیا و ظواهر آن ندارد.

اگر فردی حتی کوچک ترین خدمتی برای امام رضا (علیه السلام) انجام می داد، ایشان نهایت تشکر و قدردانی را به جا می آوردند و حتما خدمت آن فرد را جبران می نمودند. آن حضرت به مستضعفان و گرفتاران توجه خاصی می کردند، اگر آنها گرفتاری و ناراحتی داشتند، سعی می کردند مشکل آنان را حل کنند. زیاد بودند افرادی که در سایه یاری رسانی های امام (علیه السلام) به خیری دست یافتند.

پی نوشت ها :

1- از اصحاب رضا (علیه السلام) بود.

2- محمدباقر مجلسی، المكتبة الاسلامیه، تهران، 1371، ص 90 - 91، علی بن عیسی، الاربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 156 - 157.

3- ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، علی اکبر غفاری، ج 1، ص 628.

4- از یاران و معاصران امام رضا (علیه السلام) بود.

5 - علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 157.

6 - ر.ک باقر شریف، قرشی، پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی الرضا، سیدمحمد صالحی، تهران، دارالکتب اسلامیه، 1382، ص 59-60.

7 - ر.ک محمدبن محمد، مفید ارشاد، هاشم رسولی محلاتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، 1378، ج 2، ص 372 - 373.

8- ر.ک باقر شریف، قرشی، پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا (علیه السلام)، ج 1، ص 57.

9 - ر.ک سیدهاشم، رسولی محلاتی، مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی حضرت رضا، ناشر کنگره امام رضا، ص 425-426.

10 - ابن بابویه، صدوق عیون اخبارالرضا، علی اکبر غفاری، ج 2، ص 435.

- 11- ابن بابویه، صدوق، عیون اخبارالرضا، علی اکبر غفاری، ج2، ص 573.
- 12 - همان، ج 2، ص 421.
- 13 - محمدباقر مجلسی، بحارالنوار، ج 49، ص 92-93 .
- 14- ر.ک. حسین عمادزاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص 1064.
- 15- ر.ک. ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج2، ص 431-432.
- 16 - ر. ک. محمدتقی، مدرسی، امامان و جنبش های مکتبی، حمیدرضا آژیر، چاپ اول 1367، مشهد، آستان قدس رضوی، ص 281.
- 17- ر.ک. ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج 2، ص 420 .
- 18- ر. ک. ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج 2، ص 402.
- 19 - ر.ک. محمدتقی، مدرس، امامان و جنبش های مکتبی، ص 248.
- 20 - گماشته ودایی مامون .
- 21- ر.ک. ابن بابویه صدوق، عیون اخبارالرضا، علی اکبر غفاری، ج 2، ص 421 .
- 22- ر.ک. ابن بابویه صدوق، عیون اخبارالرضا، علی اکبر غفاری، ج2، ص 421.
- 23- ر.ک. محمد محمدی اشتهاردی، اصول اخلاقی امامان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص 53.
- 24- ر.ک. همان، ص 54.
- 25- ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالنوار، ج 49، ص 102.
- 26- ر.ک. محمد امین، سیره معصومان، حجتی کرمانی، سروش، 1374، ص 150.
- 27- سوره بلد، آیه 11.
- 28- ر.ک. مجلسی، محمدباقر، بحارالنوار، ج 49، ص 97، حسین عمادزاده، چهارده معصوم، ص 1065
- 29- ر.ک. مجلسی، محمدباقر، بحارالنوار، ج 49، ص 101-100.
- 30- ر.ک. مجلسی، محمدباقر، بحارالنوار، ج 49، ص 100.
- 31 - محمد امین، سیره معصومان، علی حجتی کرمانی، ص 149.
- 32- محمدباقر، مجلسی، بحارالنوار، ج 49، ص 99، محمدجواد، فضل الله، تحلیل از زندگی امام رضا علیه السلام، ص 43.
- 33 - محمدجواد فضل الله، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ص 45.
- 34 - ابن بابویه، صدوق، عیون اخبارالرضا، ج 2، ص 526.
- 35 - عمادالدین حسین، اصفهانی مشهور به عمادزاده، مجموعه زندگانی 14 معصوم، ص 1064.
- 36- محمدباقر، بهبهانی، جواد الائمه، ترجمه ابراهیم سلطانی نسب صیام، اول ذیقعد، 1381، ص 17.
- 37- باقر شریف، قرشی، پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام، 1382، ج1، ص 51، ابن بابویه، عیون اخبارالرضا، ج 2، ص 596.
- 38- سوره فتح، آیه 29.
- 39- سوره توبه، آیه 73.
- 40- سوره بقره، آیه 83.
- 41- سوره فتح، آیه 29.

42- ابن بابويه، صدوق، عيون اخبارالرضا، على اكبر غفاری، ج 2، ص 498.
منبع : سیره اخلاقی و سیاسی امام رضا علیه السلام